

کاشف

سکشنه
۲۶ بهمن ۱۳۹۵
۱۶ جمادی الاول ۱۴۳۸
شماره ۱۹۳

هفته نامه فرهنگی، خبری
مدرسه دانشجویی قرآن و عترت
دانشگاه تهران

www.ekashef.ir | info@ekashef.ir
www.QuranEtratschool.ir

سال ششم



مدرسه دانشجویی حمد (هنر، ادب، رسانه) برگزار می کند:

هایش سوره مبارکه نصر

پردیس علوم دانشگاه تهران، سالن شهید دهشور
سه شنبه ۲۶ بهمن ساعت ۲ تا ۴

دعایی با پنج عبارت
يَا رَبَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَيَا خَيْرَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَيَا
ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ وَيَا رَاحِمَ الْمَسَاكِينِ وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.
(صحیفه فاطمیه، بخش سوم؛ ادعیه در حوائج)

به نقل از الدعوات (للراوندي) // سلوة الحزین، ص (۴۷)



خطابه

تبیین اهداف پنجگانه و بررسی پیشنهادات برای خطابه روزهای پنجشنبه

بیانات آقای اخوت درباره موضوع تبلیغ و مبلغ شدن، پنجشنبه ۱۴ بهمن ماه

لازم است دهه مبارکه فجر را تبریک عرض کرده و اعلام کنیم که ان شاء الله عهد کرده ایم تا پای جان پای انقلابمان بمانیم؛ انقلابی که مبنای آن بر اساس ولایت توحیدی است و این دهه که ایام الله نامیده شده است تجدید بیعت و تجدید عهد ما نسبت به این آرمان باشد. ان شاء الله خدا توفیق دهد بتوانیم وظایف خود را در این زمینه به خوبی بشناسیم و جانانه و کفن پوش در این میدان حاضر باشیم. دو پیشنهاد درباره نحوه ادامه بحثهای بعد از نماز ظهر روزهای پنجشنبه ارسال شده بود. اولی اینکه هر کدام از مدارس تخصصی مجال پیدا کنند و گزارشی از فعالیتهای و برنامه هایی که دارند را مطرح کنند تا مورد نقد و ارزیابی و سوال واقع شوند. در واقع این فضا تبدیل به یکی از جلسات مجمع مدارس برای ارائه گزارشهایشان باشد. پیشنهاد دوم هم راجع به معرفی کتابهای مدرسه بود. همچنین این نکته هم مطرح شد که مخاطبان این جلسه ممکن است از بحثهای تعاملی و دو طرفه بیشتر استفاده کنند و نیاز کمتری به بحثهای یک طرفه داشته باشند.

درباره چرایی تخصصی شدن مدارس نکته ای که وجود دارد اینکه هر مدرسه ای عهده دار حوزه ای از مباحث مورد نیاز جامعه است و یعنی ساماندهی محتوا و کادر سازی برای ارائه آن محتوا به مدرسه ای خاص وابسته است اما پوشش دادن آن به عهده همه مدارس و رسالت فراگیر است. مثلا اگر مدارس تعلیم و تزکیه یا هنر، ادبیات و رسانه یا... بخواهند کلاسهای خانواده بگذارند، تربیت معلم و طراحی طرح درس آن به عهده مدرسه اهل بیت (علیه السلام) است اما تشکیل و ساماندهی این کلاسها لازم است در بقیه مدارس و جزء رسالتهای آنها باشد. پس در این مثال، مدرسه اهل بیت (علیه السلام) بایستی به سرعت دهها مربی تربیت کند و دهها کلاس هم در مدرسه قرآن و مکانهای دیگر بگذارد. یا مثال دیگر اینکه مدرسه هنر، ادبیات و رسانه باید آموزشهای هنری داشته باشد و برای افرادی که در مدارس مختلف هستند و می خواهند همایش تولید کنند به عنوان معاون مشورت دهد. در واقع هر مدرسه ای معاونت مجمع مدارس در آن بحث تخصصی برای دیگر

مدارس می باشد. البته فعلا هیچ کدام از مدارس این گونه نیستند.

بنده از مباحث روزهای پنجشنبه چند هدف دارم که به نظرم اهمیت دارند:

هدف اول: اینکه در نظامات جمعی و تشکیلاتی، یکباره می بینیم که جمعهای خصوصی به هر دلیلی راه می افتند، اینکه این جمعها بسته شوند خوب نیست. طبق تجربه ای که به دست آورده ایم افراد باید بدانند که می توانند در بالاترین سطوح تصمیم گیری های مدرسه نقش داشته باشند و این تصمیم گیری وابسته به یک عده خاص نیست. به همین دلیل اگر یک نفر راجع به کل تصمیمات مدرسه در این جلسه صحبت کند و حتی اگر به هر دلیلی نقد کلی به مجموعه داشته باشد ما با استقبال بسیار گرمی می پذیریم. قصد ما این است که اگر حتی یک نفر به صورت تصادفی در این جلسه وارد شد فضا را بسته نبیند. به همین دلیل نشریه کاشف، هر هفته همه مطالب را منعکس می کند تا حالت بسته بودن جمع شکافته شود.

هدف دوم: اینکه نقطه ضعفهای مجموعه از یک تریبون رسمی تبیین شود و راه حل برای آنها گفته شود. نقطه ضعفها مکتوم نمانند و ضعفهایی که داریم بیان شوند تا ارزیابی و اصلاح صورت بگیرد و امکان نقد به عملکردها وجود داشته باشد.

سومین هدف: که بسیار مهم است مطرح شدن مدارس است که به برکت این جمع، مدارس خیلی می توانند هویدا شوند و فعالیتهای خود را مطرح کنند. در نظام تشکیلاتی مدرسه قرآن، تعدادی مدارس تخصصی، تعدادی گروههای متولی کتب منظومه ای و یک سری طرح یا پروژه مانند نسل توحیدی و بیوت نورانی را داریم. همه اینها باید مجالی برای گفتگو داشته باشند، اگر گلایه ای دارند یا کمکی نیاز هست مطرح کنند. هویت مدرسه ها در این جا هویدا شود، ضرورت آن حس شود و افراد باور کنند اینجا تریبون آنهاست و کسی ساحت مدرسه ای مدرسه ها را تضعیف نکند. ما در جامعه می توانیم فعالیت کنیم مگر به واسطه ورود مدرسه ها در جامعه، چرا که کارها تخصصی است و مدرسه خاصی باید وارد شود و چشم و زبان

مجموعه باشد.

هدف چهارم: اینکه افراد به هر حال یک سری آموزشها را لازم دارند و گوش آنها باید با مباحث آشنا باشد به خصوص در حوزه مسائل اجتماعی. مسائل اجتماعی یعنی اینکه مثلا وظیفه ما در دهه چندم پیروزی انقلاب چه چیزی می تواند باشد؟ عرصه های ما کجاست؟ چرا باید فلان عرصه بیشتر فعال شود؟ و... این مباحث در چنین جلسهای لازم است واضح شوند.

هدف پنجم: چون در مجمع مدارس، جلسه عمومی و اختصاصی نداریم اگر همه مسئولین مدارس خود را ملزم کنند که در یک نماز جماعت حضور داشته باشند، یکدیگر را ببینند و از حال هم خبردار باشند می توان روی نماز ظهر پنجشنبه ها حساب کرد که این گونه یک محل اجتماعی برای مسئولین مدارس تحت بیرق نماز، تشکیل شود.

این موارد پنج هدفی هستند که بنده برای ادامه مباحث تمایل دارم و قابل جمع با پیشنهادات دوستان نیز هست، سعی می کنیم همه این حالتها امکان تحقق داشته باشند.

درباره محتوای مباحث جلسه پنجشنبه ها، میل بنده بیشتر بحثهای روایی است یعنی به جای قرآن خواندن، روایات گفته شود. دلیل آن هم این است که در طول هفته تقریبا در اغلب کلاسها قرآن گفته می شود و خوبست یک روز را هم روایت گوش دهیم، ممکن است به دلیل تخصصی بودن روایات، برای هر روایت یک، دو یا حتی ده هفته بحث کنیم که در این صورت فرم دلخواهی به دست نمی آید یا اینکه روی بحثهای عمومی تر روایات برویم که آن را هم نه ذائقه ها می کشد و نه نیاز است. پس باید بین این دو جرح و تعدیل کنیم.

باید به سمت بزرگ کردن کارهایی که می تواند عرصه های عملیات را برایمان باز کند، برویم. مثلا همایش سوره مبارکه نصر که توسط مدرسه هنر، ادبیات و رسانه پیش روست یا پیشنهاد تهیه یک مستند شده است که درباره انبیای قرآن (علیهم السلام) می باشد و نسبتهای عرفی اشتباه درباره آنها را رد می کند. با طرح چنین موضوعاتی در این جلسه، افراد قوت قلب می گیرند و بقیه ای هم که می شنوند حمایت

از افراد توفیق پیدا کرده‌اند که در زندگی و اخلاق شخصی‌شان اصلاحات کنند و بنده اینها را از روی شاخص‌ها متوجه می‌شوم.

شما باید خیلی بیشتر از این به ما اعتماد کنید. آن اعتماد است که شما را رشد می‌دهد. انسان وقتی خودبین شود خراب می‌شود، ولی وقتی بگوید من خودم فکر می‌کنم کار خاصی بتوانم بکنم اما دیگران اینطور می‌گویند، رشد می‌کند. اگر خودبین باشید، به عجب گرفتار می‌شوید. ولی وقتی به شما بگویند که می‌توانید، بگویند فلانی این‌طور گفت و نگویید من خودم در خود دیدم! بعد می‌بینید خدا به حسن ظن آن فرد و اعتمادتان به او و اجرای امر، شما را بزرگ می‌کند. یکی از شیوه‌های بزرگ شدن افراد در روایات این است که از حسن ظن مؤمنین برای مؤمنین استفاده شود، نه از خودبینی خود فرد. جریان دینی موحدانه روی تشخیص اهل ایمان شکل می‌گیرد. فرد سازه‌اش را روی دل مؤمنین می‌گذارد، نه روی دل خودش و این‌طور از عجب رهایی پیدا می‌کند. به این اتفاق، بلوغ عاطفی می‌گویند. پس معلوم می‌شود چرا بلوغ عاطفی، بلوغ اهل ایمان است. چون ایمان به غیر از این شکل نیست. غیر از این حالت، به سمت خودبینی و تکبر می‌رود.

در مورد ولایت فقیه هم همین‌گونه است. یعنی اگر ملتی نظام ولایتی را قبول نکنند، اینکه او در مورد خودش فکر کند که آدم خوب و ولی فقیه است، که خیلی بد است. او چون توجه چشمها و قلبهای مؤمنین را می‌بینید، روی حساب قلب مؤمنین می‌تواند بگوید که من ولی فقیه هستم. پس نظام امامت این‌طور بنا می‌شود. لذا مصاحبت با اهل ایمان گوهری نایاب است و اگر کسی این مصاحبت اهل ایمان را به هر دلیلی از دست بدهد، رسیدن به صفات کمالی در حد والا برای او غیرممکن می‌شود.

چون گرفتار خودبینی و خودپرستی خواهد شد. خیلی‌ها می‌گویند ما فلان ایراد را داریم پس مثلاً به درد تدریس قرآن نمی‌خوریم. بهشان می‌گوییم این ایراد را نداری! وقتی می‌گوییم این ایراد را نداری، بگو چون فلانی می‌گوید پس ندارم و مطمئن باش که نداری. گوینده دارد از یک قاعده استفاده می‌کند تا آن عیب را از فرد بگیرد و خدا هم آن را از او می‌گیرد. عوارض آن عیب هم با حسن ظن حل می‌شود. روایات حسن ظن را اگر ببینید، می‌فهمید اصلاً شیوه تربیتی افراد همین است و همان سیستمی که حسن ظن دارد، جلوی غرور را هم می‌گیرد. بلوغ عاطفی اگر اتفاق بیفتد، پیشرفت

خورده‌اید را جاهایی ببرم و بعد خودم کنار بکشم؛ تا شما ببینید چقدر قدرت در بیان و نفستان ایجاد شده است.

این تمرین زدن و خوردن هم نباید تصنعی باشد! باید واقعی باشد. یعنی من باید واقعی بزنم و شما هم واقعی بخورید. شما باید اعتقادات را واقعی بگویید نه اینکه به خاطر حفظ احترام من زمین بخورید و من نیز استدلال بالاتری می‌آوردم و باز شما فکر می‌کنید باید دلیل بالاتری بیاورید، پس دوباره عرض اندام می‌کنید و این‌طور رشد صورت می‌گیرد. الحمدلله تا الان تصنعی نبوده و هم او که خورده و هم او که زده، واقعی بوده است. در آخر این زد و خورده، به تکلیف می‌انجامد که تکلیف باشکوهی است و قدرتی در فرد ایجاد می‌شود که آن قدرت را به طور طبیعی از کسی نمی‌بینید و باید فرد در یک سه کنجی قرار بگیرد تا استعدادش شکوفا شود. اینکه مجموعه دارد به سمتی می‌رود که از یک طرف به راحتی می‌تواند حرف بزند، استدلال بیاورد و از کار خودش دفاع کند، و از طرف دیگر می‌شود دفاع او را مورد بازخواست قرار داد و او جواب بدهد، منجر می‌شود که بعد از چندسال هرکاری که انجام می‌شود پشت آن یک منطق قوی قرار داشته باشد. که حتماً آن منطق قوی، منطق قوی‌تری هم دارد. به همین‌خاطر در یک حالت ایستاد و مرداب گونه‌ای گیر نمی‌افتد. با دوستانی که بحث زد و خوردی داریم، آنهایی هستند که شأن اجتماعی دارند. مثلاً در مدارس و تصمیم‌گیری‌های آنها موثرند که این بحثها بعدش تبدیل به برنامه می‌شود.

بعضی‌ها تصور می‌کنند اینکه به آنها کاری نداریم، یعنی چون کارشان به درد نمی‌خورد. در صورتی که اینطور نیست. الحمدلله اغلب مدارس و افراد دارند به بهترین وجه کار می‌کنند. اغلب برنامه‌هایشان را هر از چند هفته می‌فرستند و بنده یک رصد کلی دارم. اغلب به شدت فعالیت می‌کنند و سیرشان به صورت صعودی است و فوق توانشان کار می‌کنند. الحمدلله افراد دارند رشد می‌کنند. اگر وضعیت شش ماه اخیر مدرسه را رصد کنید و مکتوبات قبلی را با الان مقایسه کنید، می‌بینید که به شدت پیشرفت کرده است، آنقدر که گویی مدرسه چیز دیگری شده است! رصد پیشرفت جمع، پنج یا شش شاخص دارد که اگر ممکن شد در جلسات بعدی می‌گوییم. دلیل اینکه می‌گوییم مجموعه پیشرفت کرده است این است که افراد به عرصه‌ها، به علم کاربردی و قرآن کاربردی تمایل پیدا کرده‌اند. خیلی

کنند و می‌تواند در نشریه کاشف تبدیل به فراخوان بشود تا همه افراد به سمت موضوعات عملیاتی کشیده شوند و هم‌افزایی صورت بگیرد.

پیشنهاد دیگری که درباره محتوای این جلسه وجود دارد اما هنوز به جمع‌بندی برای ارائه آن نرسیده‌ام اینکه درباره موضوع برنامه‌ریزی دوباره بحث شود، اما به صورت عملی و نه مانند قبل به صورت تئوری. یعنی برنامه‌ای که در یک مدرسه در حال اجراست را تحلیل کنیم و ایرادهای آن را بگوییم که لازم است افراد خیلی صبور باشند. از فرد مسئول می‌پرسم آیا این نکات را دیده بودی یا نه؟ آیا باید به این مباحث ورود می‌کردی یا نه؟ آیا باید این‌گونه برنامه‌ریزی می‌کردی یا نه؟ به نظر می‌رسد مجموعه به نمونه‌های عملی بیشتر نیازمند است تا شنیدن مباحث تئوری. البته اجرای این پیشنهاد، قلب محکمی می‌خواهد! یک دفعه به فرد گفته می‌شود چرا این کار را می‌کنی و چطور شد که به ذهنت رسید که این کار را بکنی، سر آن را به ما هم بگو!

ما خیلی راجع به برنامه‌ریزی صحبت کردیم و جالب است که اغلب ۹۰ درصد آن هم انجام نمی‌شود! علم و تئوری آن وجود داشته، ولی چون با مثال همراه نبوده، انطباق داده نشده است. اگر از افراد بپرسیم چرا فلان‌جا این‌گونه بوده، نمی‌تواند جواب بدهد و خیلی اوقات می‌گوید چون خودتان گفته بودید! و معلوم می‌شود حرف، خوب تبیین نشده است. مشکلی نیست که از پنج ایرادی که به فرد گرفته می‌شود، سه‌تایش به عدم تبیین بنده برگردد اما درباره همان دو تا با او بحث می‌کنیم طوری که معلوم شود یک جای سیستم خودش اشتباه کرده است! اینکه کسی بتواند حریف این گفتگو بشود توان می‌خواهد. اشکالی ندارد که افراد زور ورزی کنند. اتفاقاً یکی از بهترین خصوصیات مدرسه قرآن در این است که افراد گشتی می‌گیرند، زمین می‌خورند و باز بلند می‌شوند! و کسی که زمین می‌زند، دفعه بعد هم زمین می‌زند! کسی هم که می‌خورد، دوباره می‌خورد! به دلیل اینکه قاعده کار این است که اگر سیستمی، نظام ولایتی صحیحی داشته باشد، کسی که زمین می‌زند، همیشه زمین می‌زند و کسی که زمین می‌خورد همیشه زمین می‌خورد! ولی باید نه از خوردن ترسید و نه از زدن! مثل تمرین کاراته است. اگر شما در تمرین احساس کنید که توانستید استاد را به خاک بزنید، همانجا علمتان متوقف می‌شود و نمیتوانید بالاتر بروید. بنده حاضرم تک تک شما دوستانی که زمین

انسانها در کمال به سرعت نور می رسد. مثلا فرد یک صفت بخل را می خواهد بردارد، باید پنجاه سال سعی کند ولی اگر دیگران بگویند این صفت را ندارد، اصلاحش به سرعت نور می رسد.

نظام ولایی باید باشد و آن هم وصل به ولایت فقیه باشد. ولایت فقیه جزء ضروریات اولیه است، اگر آن را بردارید هیچکدام از این سازه ها کار نمی کند چون وصل به امام زمان علیه السلام می شود. فقط در نظام شیعی و ولایی و با ولایت اهل بیت علیهم السلام محقق می شود. چون شیعه می گوید: «و ما خصنا من ولایتکم، طیباً لخلقنا، طهارتاً لانفسنا، کفارتاً لذنوبنا، تزکیه لنا». پس در این سیستم خیلی از ایرادهای ما می شود که برطرف شود.

این جریان بلوغ عاطفی در مجموعه شکل گرفته

است. قبلای نگرانی داشت اما الحمدلله به شدت به سمت تألیف و موفقیت های پی در پی هستیم. من برای این موفقیتها شاخص دارم، تعارف هم ندارم. وقتی شده باشد می گویم که شده است. نمی گویم کامل شده است اما خیلی نزدیک شده است و این پیشرفتها هم در اثر علم و همین گفتگوهای است که انجام می دهیم. ان شاء الله که خدا توفیق بدهد و ارتباط ما را طوری مستحکم کند که جمع ما به بقیه الله علیهم السلام ملحق شود. یعنی شبکه اجتماعی حضرت بقیه الله علیه السلام بتوانیم باشیم. و همه هم باشند بدون اینکه کسی از جمع ریزش پیدا کند. من مطمئنم اگر کسی در جمع آمد، ریزش پیدا نمی کند. نمی دانم چه خصوصیتی برای این جمع قرار داده شده است که حتی کسانی که مدتی می آیند

و می روند و یا قهر می کنند و دلخور می شوند اما باز هم حتما وصل هستند. به وسیله طنابهای نامرئی خودشان را نگه میدارند و ما سلام خودمان را خدمتشان می رسانیم!

اگر ما قرآنی را تبلیغ کنیم که قرآن شیعی است، تشیع در تار و پود انسانها نمایان می شود. سعی کنید شیعه را با عمل نمایان کنید. طیف کارهای مدرسه قرآن بسیار وسیع شده است. کافی است در سایت مطلب بگذارید تا بلافاصله رصد شود. آنقدر که مطالب سایت مدرسه در شهرستانها رصد می شود، ممکن است مورد توجه اعضای مدرسه نباشد و نخوانند! این نشان می دهد که کار رسانه ای نشریه کاشف و امثال آن، کارهای موثری بوده است.

معرفی و فراخوان مشارکت مالی خیرین در صندوق قرض الحسنه کوثر

پیشخوان

صندوق قرض الحسنه کوثر چیست؟

صندوق قرض الحسنه کوثر مدرسه دانشجوی قرآن و عترت علیه السلام فعالیت خود را از سال ۱۳۷۸ شروع نموده است. در طی این سالها صندوق در حد وسع خود در دو زمینه تامین مخارج ترویج فرهنگ قرآنی در جامعه و تامین مایحتاج ضروری زندگی مستحقان به فعالیت خود ادامه داده است.

ضرورت تشکیل چنین صندوقی، در راستای گسترش امر توحیدی فرهنگ انفاق در جامعه می باشد. در جامعه بر اثر مصیبت ها و ابتلائات، شکاف هایی به وجود می آید که خداوند برای پر کردن هر نوع شکافی در جامعه به مومنین امر به انفاق و صدقه، قرض کرده است. هر فرد مومنی بنا بر استطاعت و جایگاهی که دارد، سعی و تلاش خود را می کند تا این شکاف ها را در هر سطحی که می تواند برطرف کند. برطرف کردن نیاز مالی جامعه در ابعاد مختلف آن (برای امورات فرهنگی، مایحتاج زندگی و...) از مصادیق مشارکت در امر انفاق، صدقه و قرض می باشد.

کارکرد صندوق کوثر برای مراجعین

صندوق در دو سطح بلاعوض (جهت فعالیت های فرهنگی-قرآنی) و قرض الحسنه (جهت تامین مخارج اساسی زندگی) به مراجعین خود پاسخگویی می کند.

نحوه مشارکت خیرین در صندوق کوثر

خیرین محترم و افراد علاقه مند به یکی از شیوه های زیر می توانند در فعالیت های صندوق کوثر مشارکت داشته باشند:

۱. مشارکت در بخش تامین مالی برای فعالیت های فرهنگی-قرآنی و به صورت بلاعوض: فعالیت های فرهنگی به صورت موردی و از طریق سامانه پیامکی،

به خیرین علاقه مند اعلام می شود.

۲. مشارکت در بخش قرض الحسنه که به سه حالت ذیل دسته بندی می شوند:

- نوع اول: خیرین می توانند مبلغ ثابتی (ولو اندک) را به صورت ماهانه یا سالیانه به صورت کمک بلاعوض به صندوق واریز نمایند. مبالغ جمع شده به صورت قرض به مراجعین داده می شود و دوباره به صندوق باز می گردد.
- نوع دوم: خیرین می توانند مبالغ حداقل بالای یک میلیون تومان را در هر مقطع زمانی که مورد نیازشان نیست، به صورت قرض در اختیار صندوق قرار داده و اقساط آن را به میزان توافقی دریافت کنند.

- نوع سوم: بسته به مراجعینی که از صندوق تقاضا دارند، در مقاطع مختلف زمانی از طریق سامانه پیامکی به خیرین، نیازمندی ها و موارد خواهان قرض اعلام می شود و می توانند در مورد آن نیازمندی خاص مشارکت داشته باشند و اقساط آن را به میزان توافقی دریافت کنند.

مرحله اول فراخوان مشارکت در صندوق کوثر

در حال حاضر با توجه به تقاضای قرض الحسنه هایی که بیش از موجودی صندوق می باشد، صندوق کوثر در نظر دارد که در چند ماه آتی به افزایش موجودی خود با مشارکت شما خیرین محترم بپردازد تا بتواند پاسخگوی نیازمندی های موجود باشد.

جهت عضویت در طرح فراخوان صندوق کوثر، برای مشارکت در بخش تامین مالی فعالیت های فرهنگی-قرآنی عدد ۱۱۰ و جهت مشارکت در بخش قرض الحسنه عدد ۱۲۰ را به سامانه پیامکی مدرسه قرآن (۰۵۰۰۲۴۲۷) ارسال نمایید و اطلاعاتی بعدی را از طریق پیامک دریافت نمایید.